

## **A Contemplation on the Sorts of Late Payment Damage and Applicability of them to Foreign Currency Debts**

**Mohammad Mahdi Alsharif<sup>1</sup>, Seyed Mohsen Gaemfard<sup>2</sup>, Seyed Mohammad Mahdi Mansouri Tehrani<sup>3</sup>**

- 1. Associate Professor, Faculty of Economics and Administrative Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran*
- 2. Assistant Professor, Faculty of Economics and Administrative Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran*
- 3. MSc., Faculty of Economics and Administrative Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran*

(Received: April 22, 2020 ; Accepted: December 9, 2020)

### **Abstract**

Based on the type of debt due to be based on rial or foreign currencies and also due to be documented by cheque or not, the late payment damage is divided into four categories. Among them, the case of late payment compensation of foreign currency debts documented by cheque is ambiguous. On one hand, the late payment damage has been assigned absolutely in the code of "issuance of cheque" and on the other hand, the calculation method of this compensation which is based on the announced index of central bank cannot be applied to the cheques that have been issued with foreign currencies. There's a judgment within which the drawer is sentenced to pay the late payment damage in the way that the sum of cheque is changed from a foreign currency to rial. As to review the judgment, in this article it's proved with several reasons that there's no legal basis in Iranian current legal status for the late payment compensation of foreign currency debts whether documented by cheque or not.

### **Keywords**

Cheques with Foreign Currencies, Late Payment Damage, Late Payment Penalty, Usury.

## تأملی در اقسام خسارت تأخیر تأدیه و امکان اعمال آن در دیون ارزی

محمد مهدی الشریف<sup>۱</sup>، سید محسن قائم‌فرد<sup>۲</sup>، سید محمد مهدی منصوری طهرانی<sup>۳</sup>

۱. دانشیار، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲. استادیار، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳. کارشناس ارشد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۹)

### چکیده

خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد، به حسب اینکه دین ریالی یا ارزی باشد و هر یک مستند به چک باشد یا نباشد، بر چهار قسم است. وضعیت برخی از این اقسام، از جمله خسارت تأخیر دیون ارزی مستند به چک، در حاله‌ای از ابهام است. از یک سو قانون صدور چک به طور اطلاق از خسارت تأخیر تأدیه چک سخن گفته و از سوی دیگر مکانیسم محاسبه خسارت تأخیر، که بر اساس شاخص اعلامی بانک مرکزی است، در مورد چک ارزی قابل اعمال نیست. در این مقاله، در مقام نقد رأیی که با تبدیل ارز به مبلغ ریالی دارنده را به خسارت تأخیر تأدیه محکوم کرده، به دلایل متعدد اثبات می‌شود که خسارت تأخیر در خصوص دیون ارزی، اعم از مستند به چک یا غیر آن، در وضعیت فعلی حقوق ایران فاقد مبنای قانونی است.

### کلیدواژگان

جریمه تأخیر، چک ارزی، خسارت تأخیر تأدیه، ربا.

### مقدمه

شاید کمتر نهادی در حقوق ایران همچون نهاد خسارت تأخیر تأدیه چالش‌برانگیز و بحث‌آفرین بوده است. دیدگاه‌های متعدد و متفاوت شورای نگهبان، قوانین پراکنده مصوب مجلس، و مداخلات مجمع تشخیص مصلحت نظام گواه روشنی بر این مدعاست. خسارت تأخیر تأدیه از ابعاد گوناگون کنکاش شده است. اما آنچه نویسندگان را به نگارش این مقال واداشت جنبه‌ای است که بر حسب اطلاع و تتبع نگارندگان بحث مکتوبی درباره آن صورت نگرفته و در عین حال شایسته تأمل و تعمق است. این جنبه مغفول موضوع خسارت تأخیر تأدیه در خصوص چک‌های ارزی است. بی‌گمان رواج و فراوانی چک‌های ریالی قابل مقایسه با چک‌های ارزی نیست و بر همین اساس دادگاه‌ها کمتر فرصت یافته‌اند به حل مشکلات مربوط به چک‌های ارزی بپردازند. با وجود این، دادخواستی به خواسته مطالبه وجه یک فقره چک ارزی در دادگستری اصفهان مطرح شد و دادگاه محترم بر اساس دیدگاه خود حکم به پرداخت وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه داد. به بهانه نقد و تحلیل این رأی، در این نوشتار بر موضوع خسارت تأخیر تأدیه چک‌های ارزی تأمل خواهد شد.

برای تحریر دقیق محل نزاع، نخست باید اقسام مختلف تأخیر تأدیه وجه نقد بر حسب نوع وجه نقد و ابزار اثباتی دین مشخص شود. با توجه به اینکه وجه نقد ممکن است وجه رایج یا ارز و پول خارجی باشد و هر یک از این دو ممکن است مستند به چک باشد یا نباشد، با چهار قسم مختلف تأخیر تأدیه وجه نقد روبه‌رویم که حکم دو قسم آن تقریباً روشن و مورد اتفاق و حکم دو قسم آن محل تردید و مناقشه است. موضوع این گفتار یکی از دو قسم اخیر است. قسم اول صورتی است که موضوع خواسته وجه رایج است و این خواسته مستند به چک نیست. قسم دوم صورتی است که خواسته دین از نوع وجه رایج، اما مستند به چک است. قسم سوم صورتی است که خواسته وجه نقد غیر از ریال، یعنی ارز خارجی، است و دین در قالب چک جای نگرفته است. و قسم چهارم، که موضوع این نوشتار است، خسارت تأخیر تأدیه دین ارزی، مستند به چک یا همان چک ارزی، است. البته بسیاری از دلایلی که در ردّ تعلق خسارت تأدیه به این قسم دیون بیان می‌شود در خصوص مطلق دین ارزی، اعم از آنکه مستند به چک باشد یا نباشد، نیز کاربرد دارد.

به هر روی در حکم صورت اول تقریباً اختلافی بین حقوق‌دانان و رویه قضایی وجود ندارد. این فرض مصداق روشن ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م است که حکم خسارت تأخیر را در موردی که خواسته دین و از نوع وجه رایج است معلوم ساخته است. بر اساس این ماده دریافت خسارت تأخیر تأدیه منوط به اجتماع سه شرط مطالبه دائن، امتناع مدیون از پرداخت با وجود تمکن، و تغییر فاحش شاخص قیمت سالیانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت است. حکم قسم سوم، یعنی عدم استحقاق خسارت تأخیر در دیون ارزی غیرمستند به چک، نیز تقریباً مسلم است. بر اساس قوانین موجود، مستندی برای الزام مدیون به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه برای این‌گونه دیون ارزی وجود ندارد و اصل برائت بر مسئله حکومت می‌کند. دین ارزی غیرمستند به چک نه مشمول ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م است نه مشمول قانون صدور چک. عدم شمول قانون صدور چک که روشن است و عدم شمول ماده ۵۲۲ نیز به این دلیل است که به نص ماده ۵۲۲ موضوع این ماده دین از نوع وجه رایج است و پول‌های خارجی، اگرچه مشمول عنوان وجه نقد هستند، وجه رایج به حساب نمی‌آیند. حکم قسم دوم، یعنی تأخیر در تأدیه دین ریالی مستند به چک، تا پیش از تصویب قانون اصلاح قانون صدور چک با ابهامی روبه‌رو نبود. زیرا به موجب تبصره ماده ۲ قانون صدور چک دارنده چک می‌توانست همه خسارات و هزینه‌های واردشده را از دادگاه مطالبه کند و به موجب قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک «منظور از عبارت کلیه خسارات و هزینه‌های واردشده» مذکور در تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح مواد از قانون صدور چک، مصوب ۱۳۶۷/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام، خسارات تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده و هزینه دادرسی و حق‌الوکاله بر اساس تعرفه‌های قانونی است». بدین ترتیب دارندگان چک، که با عدم تأدیه وجه در موقع مقرر روبه‌رو می‌شدند، می‌توانستند بدون رعایت شرایط یادشده در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م جبران خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه کنند (زنگباری ۱۳۹۴: ۲۳۰).

با تصویب قانون اصلاح قانون صدور چک در سال ۱۳۹۷ و حذف عبارت «خسارت تأخیر تأدیه» از متن اولیه ماده ۹، بر اساس ایراد شورای نگهبان، حکم خسارات تأخیر چک‌های ریالی در هاله‌ای از ابهام فرو رفت. شورای نگهبان در خصوص این ماده چنین اظهارنظر کرده است: «مطالبه

خسارت تأخیر تأدیه بدون وجود شرط شرعی خلاف موازین شرع شناخته شد. ظاهراً مراد از «شرط شرعی» شرط ضمن عقد لازم مبنی بر دریافت خسارت معین در صورت تأخیر در ادای بدهی است. از یک سو ممکن است گفته شود با توجه به اینکه قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ از سوی مجمع تشخیص مصلحت تصویب شده و مجلس و شورای نگهبان نمی‌توانند آن را نسخ کنند، به‌رغم ایراد شورای نگهبان و حذف عبارت خسارت تأخیر از قانون جدید، همچنان تبصره ماده ۲ و قانون استفساریه به قوت خود باقی است و تنها تغییری که رخ داده این است که دارندگان چک برای دریافت خسارت تأخیر باید به دادگاه مراجعه کنند و نمی‌توانند از امتیاز قانون جدید مبنی بر صدور اجراییه برای وجه چک بدون رسیدگی در دادگاه برای خسارات تأخیر نیز استفاده کنند و در مقابل ممکن است گفته شود مصوبات مجمع تشخیص اصولاً موقت و مادام‌المصلحه است و با توجه به گذشت زمان مدید از قانون استفساریه و اعلام خلاف شرع بودن خسارت تأخیر از سوی شورای نگهبان دیگر در مورد چک نمی‌توان خسارت تأخیر تأدیه مطالبه کرد. البته باید توجه داشت که منظور دیدگاه اخیر از عدم امکان مطالبه خسارات تأخیر تأدیه دریافت خسارت تأخیر به صرف تأخیر در پرداخت وجه چک است؛ وگرنه مطالبه خسارت تأخیر با رعایت شرایط مقرر در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م با مشکلی روبه‌رو نیست. به بیان روشن‌تر آنچه از نظر شورای نگهبان خلاف شرع اعلام شده جبران کاهش ارزش پول به نحو مطلق و بدون رعایت شرایط مقرر در ماده ۵۲۲ است و بر همین اساس شورای نگهبان خسارت تأخیر تأدیه یادشده در ماده ۵۲۲ را موافق شرع می‌داند. اما، تبصره ماده ۲ و استفساریه آن به دلیل مخالفت با قواعد اولیه شرعی از سوی مجمع تشخیص مصلحت و بر مبنای ضرورت و مصلحت نظام تصویب شده است. بنابراین، بر اساس احتمال دوم، از این پس دارندگان چک نیز مانند سایر طلبکاران وجه نقد برای دریافت خسارت تأخیر تأدیه باید به ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م استناد کنند و وجود شرایط لازم در آن ماده، از جمله تمکن مدیون و مطالبه، را اثبات کنند و خسارت نیز از زمان مطالبه محاسبه خواهد شد.

به هر روی، در این مقاله صورت چهارم، یعنی تأخیر در ادای چک ارزی، بررسی می‌شود. با توجه به اینکه ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م ناظر به دین از نوع وجه رایج، یعنی دین ریالی، است، مسلماً برای اثبات استحقاق خسارت تأخیر تأدیه دین ارزی، چه مستند به چک باشد چه نباشد، نمی‌توان به

این ماده استناد کرد. پس، منشأ تردید در تعلق یا عدم تعلق خسارت تأخیر در چک ارزی در کجاست؟ آنچه منشأ تردید در این قسم شده این است که از یک سو قانون صدور چک سابق به نحو مطلق از تعلق خسارت تأخیر در فرض تأخیر در پرداخت وجه چک در سررسید سخن گفته بود و تفاوتی بین چک ارزی و ریالی ننهاده بود و با فرض پذیرش دیدگاه بقای تبصره ۲ و استفساریه مجمع تشخیص این حکم همچنان در خصوص مطلق چک‌ها، اعم از ارزی و ریالی، برقرار است. همچنین، ممکن است گفته شود حکم به لزوم جبران خسارت تأخیر در چک ریالی یا مطلق دیون ریالی و عدم حکم به این خسارت در طلب‌های ارزی و به طور خاص چک ارزی تبعیضی ناروا و فاقد توجیه قابل قبول است و نباید آن را به قانون‌گذار نسبت داد. زیرا، همان‌گونه که طلبکار یک دین از نوع وجه رایج از تأخیر در پرداخت دچار خسارت می‌شود، بستانکار یک طلب ارزی نیز از تأخیر در دریافت طلب خود دچار زیان می‌شود و قانون‌گذار باید در خصوص جبران این زیان نیز چاره بیندیشد و تفاوت بین وجه رایج و ارز منطقی روشنی ندارد. در سوی مقابل به موجب استفساریه یادشده خسارات تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم، که از تاریخ چک تا زمان وصول آن توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده، محاسبه می‌شود و این مبنای محاسبه در مورد دین ارزی کاربرد ندارد.

در ادامه، پیش از آنکه به نقد و تحلیل رأی پرداخته شود، به دلیل اختلاف و ابهامی که در خود مفهوم خسارت تأخیر تأدیه وجود دارد و این اختلاف و ابهام در نتیجه‌گیری نیز مؤثر است و بعضاً منشأ بدفهمی و سوءبرداشت می‌شود، اقسام و معانی مختلف خسارت تأخیر تأدیه به اجمال بیان می‌شود و در نهایت روشن می‌شود که مراد از عدم تعلق خسارت تأخیر به چک ارزی در مدعای این مقال کدام معنا از خسارت تأخیر است.

### معانی مختلف خسارت تأخیر تأدیه

خسارت تأخیر تأدیه نه تنها از حیث حکم همواره محل گفت‌وگو بوده، بلکه مفهوم و ماهیت آن نیز همواره اختلاف‌برانگیز بوده است. مفهوم و ماهیت خسارت تأخیر تأدیه بین مفاهیمی همچون ربا و پرداخت مازاد بر اصل دین، عدم‌النفع ناشی از تأخیر در پرداخت دیون پولی، جبران کاهش ارزش پول، وجه التزام قراردادی، و بالاخره جریمه تأخیر در ادای دین مردد بوده و بر اساس هر

یک از این برداشت‌ها حکم به روایی یا ناروایی آن شده است. بر بنیاد این تفاوت معنایی است که شورای نگهبان، که طی سالیان مدید در نظریات متعدد حکم به مغایرت خسارت تأخیر تأدیه با شرع می‌داد، با آنچه در ماده ۵۲۲ ق. آیین دادرسی مدنی جدید به عنوان خسارت تأخیر تأدیه مطرح شد مخالفت نکرد و مهر موافقت با شرع بر آن زد. تأمل در تفاوت برخورد شورای نگهبان با موضوع خسارت تأخیر تأدیه و نیز تفاوت‌های آشکاری که بین مقررات مرتبط با خسارت تأخیر تأدیه وجود دارد به‌خوبی نشان می‌دهد که خسارت تأخیر تأدیه در حقوق ایران بر چند مفهوم متفاوت اطلاق شده و عدم توجه به این تنوع معنایی اظهارنظر درباره آن را با اشکال روبه‌رو می‌سازد. با تتبعی در مقررات مربوط به خسارت تأخیر تأدیه می‌توان حداقل پنج کاربرد و در واقع پنج نهاد مختلف را بازشناسی کرد. در ادامه به‌اختصار به این موارد اشاره و مشخص می‌شود که معنای مورد بحث در این مقاله کدام یک از این اصطلاحات است.

### جریمه دیرکرد

در نگاه فقهی، الزام بدهکار به پرداخت مبلغی بیش از اصل دین، اگرچه به عنوان تأخیر باشد، مصداق اخذ زیاده یا همان ربا است. این نگاه همان نگاه رایج بین فقها و مراجع است که در فتاوی خود بر آن تأکید کرده‌اند. فتاوی مرحوم امام خمینی، که مورد استناد شورای نگهبان در اعلام نامشروع بودن خسارت تأخیر تأدیه و نسخ مواد ۷۱۲ و ۷۱۹ ق.آ.د.م سابق قرار گرفت، نمونه‌ای از کاربرد خسارت تأخیر تأدیه در معنای اخذ مبلغی زائد بر اصل دین به عنوان دیرکرد است که مصداقی از ربا به حساب می‌آید. متن فتوا بدین قرار است: «آنچه به حساب دیرکرد تأدیه بدهی گرفته می‌شود ربا و حرام است». این معنا از خسارت تأخیر تأدیه است که مورد مخالفت شورای نگهبان قرار گرفته و نظریات متعددی که در سال‌های نخست انقلاب در نامشروع بودن اخذ خسارت تأخیر تأدیه صادر کرده است بر مبنای چنین برداشتی از اصطلاح خسارت تأخیر است.

### وجه التزام قراردادی

از دیگر کاربردهای اصطلاح خسارت تأخیر تأدیه است. گاه از مبلغی که به موجب شرط ضمن قرارداد شخص متعهد در فرض تأخیر در انجام دادن تعهد یا ادای دین باید بپردازد با عنوان خسارت تأخیر تأدیه یاد شده است. اغلب فقها دریافت خسارت تأخیر را حتی در صورت اشتراط

ضمن عقد مصداق ربا و حرام می‌دانند (بهجت ۱۴۲۸ ق: ۳۶۰). برخی نیز چنین شرطی را تنها در حد جبران کاهش ارزش پول مشروع می‌دانند و تعیین مبلغ ثابت به عنوان جریمه تأخیر را نامشروع می‌شمارند (منتظری ۱۳۸۸: ۲۳۱). ظاهراً مبنای این تفکیک این است که از نظر این فقها شرط جبران کاهش ارزش پول، عرفاً، شرط زیاده محسوب نمی‌شود و از شمول عنوان ربا، که قوام آن به زیاده بر مثل است، خارج می‌شود. به هر روی شورای نگهبان در برخی نظریات خود، هم‌داستان با برخی فقهای معاصر (صافی گلپایگانی ۱۴۱۷ ق: ۳۰۵؛ فاضل لنکرانی ۱۳۸۳: ۳۰۷)، به دلیل مستند بودن این تعهد به شرط ضمن قرارداد، آن را مخالف شرع ندانسته است. این دیدگاه معتقد است آنچه ربا و حرام است اِمهال یا تجویز تأخیر در ادای دین در قبال پرداخت زیاده است. اما اگر تعیین مبلغ نه به معنای جواز تأخیر در صورت پرداخت مبلغ اضافه، بلکه به عنوان جریمه‌ای بر تأخیر ناروای مدیون باشد، از شمول عنوان ربا محرم خارج است. نظریه شماره ۴۵۶۲ مورخ ۱۳۶۱/۴/۸ و نظریه شماره ۷۷۴۲ مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۱ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام رئیس بانک مرکزی در خصوص اخذ جریمه ناشی از تأخیر تأدیه مطالبات بانک‌ها از مشتریان در قراردادهای بانکی، که از سوی شورای نگهبان مغایر شرع شناخته نشده، ناظر به چنین کاربردی از خسارت تأخیر تأدیه است.

### عدم‌النفع

کاربرد دیگر خسارت تأخیر تأدیه به معنای عدم‌النفع ناشی از عدم پرداخت دین پولی است. در واقع، وقتی مدیون دین خود را به‌موقع نمی‌دهد بستانکار می‌تواند مدعی خسارت از باب عدم‌النفع شود. بدین معنا که اگر طلب او به‌موقع پرداخت می‌شد وی می‌توانست از محل آن به منافی دست یابد. یکی از تفاوت‌های عمده خسارت تأخیر به معنای جریمه دیرکرد با خسارت تأخیر به معنای خسارت عدم‌النفع در این است که جریمه دیرکرد اصولاً مبلغ مشخص و ثابتی است. اما خسارت عدم‌النفع مبلغ متغیری است که در هر مورد باید بررسی و اثبات شود. به نظر می‌رسد آنچه از منظر فقهی ربا و حرام است کاربرد نخست است نه عدم‌النفع. هرچند مشهور فقها عدم‌النفع را قابل مطالبه نمی‌دانند، مسلماً آن را مصداق ربا نمی‌شمارند. به نظر می‌رسد ماده ۷۱۹ ق.آ.د.م سابق از خسارت تأخیر تأدیه چنین معنایی را اراده کرده بود. تعیین مبلغ ثابت ۱۲ درصد



در سال نیز از باب تعیین حداقل عدم‌النفع و تسهیل در امر دادرسی و عدم نیاز به بررسی موردی عدم‌النفع بوده است نه از باب تعیین جریمه‌ای برای تأخیر. زیرا طلبکار حداقل می‌توانست با سپردن آن در بانک سالی ۱۲ درصد سود دریافت کند و این تأخیر بستانکار را از این نفع حداقلی محروم کرده است. بر همین اساس، در آن ماده سخنی از کاهش ارزش پول یا تمکن مدیون در بین نبود (السان ۱۳۸۹: ۹۳ - ۹۴؛ سلطانی ۱۳۹۰: ۲۳۰ - ۲۴۰).

### جبران کاهش ارزش پول

کاربرد دیگر خسارت تأخیر تأدیه جبران کاهش ارزش پول است. در این کاربرد نه سخن از جریمه دیرکرد است نه عدم‌النفع، یعنی محرومیت از منفعی که اگر دین به‌موقع ادا می‌شد بستانکار از آن بهره‌مند می‌شد؛ بلکه سخن در حفظ مماثلت ارزش پول در زمان ادا با زمان دریافت است. طبیعی است در این کاربرد خسارت تأخیر تأدیه منوط به کاهش ارزش پول و به تعبیر دقیق‌تر کاهش فاحش ارزش پول است. تاکنون قانون‌گذار ضمان ناشی از کاهش ارزش پول را به نحو مطلق نپذیرفته و از همین رو خسارت تأخیر تأدیه یادشده در تبصره ماده ۲ ق. صدور چک که با اندک مسامحه‌ای از مصادیق این معنا از خسارت تأخیر تأدیه است از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شد. بر بنیاد این تبصره، مدیون باید کاهش ارزش پول را بر مبنای نرخ اعلامی از سوی بانک مرکزی جبران کند. برخی محققان نیز خسارت تأخیر تأدیه یادشده در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م را به همین معنی تعبیر می‌کنند. این در حالی است که بنا بر ماده ۵۲۲ مطالبه طلبکار تمکن مدیون و امتناع از پرداخت از شرایط استحقاق این خسارت است و در صورتی که این خسارت را به جهت کاهش ارزش پول بدانیم وجود این شرایط موجه به نظر نمی‌رسد (السان ۱۳۸۹: ۹۷).

### تعزیر

بر اساس ذهنیت رایج بین حقوق‌دانان خسارت تأخیر تأدیه یادشده در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م نیز مصادیقی از خسارت ناشی از کاهش ارزش پول است و دلیل آن نیز منوط بودن این خسارت به تغییر فاحش شاخص قیمت است. به نظر می‌رسد، برخلاف دیدگاه رایج، مبنای ماده ۵۲۲ جبران کاهش ارزش پول نیست، بلکه استفاده از ظرفیت نهاد تعزیر برای حل معضل تورم و مشروع ساختن جریمه دیرکرد است. به بیان ساده، هرچند جریمه دیرکرد به لحاظ فقهی ربا و حرام است،

اگر از باب تعزیر باشد، مخالفتی با شرع ندارد. فتوای زیر به خوبی مبنای این ماده و دلیل تأیید آن از سوی شورای نگهبان، در عین نظریات متعدد این شورا مبنی بر نامشروع بودن خسارت تأخیر تأدیه، را نشان می‌دهد. متن فتوا چنین است: «جریمه دیرکرد اگر جنبه تعزیر از سوی حکومت اسلامی داشته و به صورت عادلانه باشد جایز است.» (مکارم شیرازی ۱۴۲۷ ق: ۵۸۹). یکی دیگر از فقهای معاصر نیز با توجه به اینکه تعویق در تسویه دین از نظر شرعی حرام است به صراحت از امکان استفاده از تعزیر و جریمه مالی قضایی به عنوان کیفر به تعویق انداختن تسویه وام سخن گفته است (تسخیری ۱۳۸۲: ۶۹).

نحوه تنظیم ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م به خوبی از ماهیت تعزیری خسارت تأخیر تأدیه در این ماده حکایت دارد. به موجب این ماده، بستانکار فقط در صورتی نسبت به کاهش فاحش ارزش پول استحقاق دارد که اولاً دین را مطالبه کرده باشد و ثانیاً مدیون با تمکن از پرداخت از ادای دین امتناع کرده باشد. از نظر قانون‌گذار مماثلت در قدرت خرید شرط تحقق ادای دین نیست. چون در غیر این صورت تقیید جبران کاهش ارزش پول به قید مطالبه و تمکن مدیون و امتناع وی از پرداخت توجیهی نداشت.

درنگ در قیودی که قانون‌گذار برای الزام مدیون به جبران کاهش ارزش پول در ماده ۵۲۲ در نظر گرفته حاکی از آن است که آنچه در این ماده تحت عنوان خسارت تأخیر آمده در واقع نوعی جریمه برای مدیون مُمَاطِل است و به عنوان راهکاری مشروع برای جبران کاهش ارزش پول مورد استفاده قرار گرفته است. توضیح اینکه به لحاظ فقهی و بر اساس روایاتی همچون «مَطَّلُ الْغَنَى ظَلْمٌ» قید مطالبه و تمکن دو شرط لازم برای وجوب ادای دین هستند<sup>۱</sup> و اگر کسی با وجود مطالبه بستانکار و قدرت بر پرداخت از ادای دین خود امتناع کند مرتکب حرام شده و قابل تعزیر است. شورای نگهبان در نظریه مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۱۴ پس از اعلام اینکه خسارت تأخیر تأدیه به مفهومی که در قانون آیین دادرسی مدنی سابق و برخی قوانین دیگر آمده بود - شرعاً قابل مطالبه نیست تصریح کرده: «... تأخیر در ادای دین حال پس از مطالبه طلبکار برای شخص متمکن شرعاً حرام و قابل تعزیر است». از آنجا که تعیین مجازات تعزیری به تشخیص حاکم واگذار شده،

۱. «یجب علی المدین أداء الدین فوراً عند مطالبه الدائن إن قدر علیه» (موسوی خویی ۱۴۱۰ ق: ۱۷۱).

«التعزیر بما یراه الحاکم»، همان‌گونه که در فتوای پیش‌گفته دیدیم حاکم می‌تواند مدیون مماتل را از باب تعزیر به پرداخت مبلغی به بستانکار محکوم کند و قانون‌گذار این مبلغ تعزیری را معادل کاهش ارزش پول تعیین کرده است. بر بنیاد آنچه گفته شد می‌توان با قاطعیت گفت قانون‌گذار در ماده ۵۲۲ از همین راهکار استفاده کرده تا بخشی از معضل تورم و کاهش ارزش پول را به نحو مشروعی چاره کند (الشریف ۱۳۹۳: ۵۸۹). البته، عدم نطفن به مقصود قانون‌گذار از وضع قیود مندرج در ماده ۵۲۲ باعث تعجب و اعتراض برخی از مؤلفان حقوقی شده و افزودن این قیود برای مسئولیت بدهکار نسبت به تورم و کاهش ارزش پول را خروج از اصول حقوقی و غیر قابل دفاع دانسته‌اند (شیروی ۱۳۸۰: ۴۶).

در پایان این بحث این نکته شایسته تأمل است که معدود فقیهانی که در ادای دیون محاسبه تورم و کاهش قدرت خرید پول را لازم می‌شمارند این محاسبه را مصداق خسارت تأخیر تأدیه نمی‌دانند؛ بلکه در واقع لزوم پرداخت مابه‌التفاوت ارزش پول برای حفظ مماثلت مبلغ گرفته‌شده و مبلغ بازپس داده‌شده است. از منظر این فقیهان در صورت عدم پرداخت مابه‌التفاوت در واقع مدیون اصل بدهی خود را ادا نکرده است؛ نه اینکه اصل دین را پرداخته، ولی خسارت ناشی از تأخیر را نپرداخته است. مثلاً آیت‌الله نوری همدانی در پاسخ به نامه کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی در خصوص روزآمدسازی مهریه چنین می‌نویسد: «لازم است به طور کلی، در باب دیون و جنایات و ضمانات، ارزش‌ها و قدرت خریدها را - که در زمان‌های مختلف متفاوت می‌شود - همیشه در نظر بگیریم و به حساب بیاوریم.» (یوسفی ۱۳۸۱: ۶۰).

به هر روی خسارت تأخیر تأدیه کاربردهای متفاوتی در پیشینه حقوقی ما دارد و برای حکم به روایی یا ناروایی آن باید دقیقاً مشخص کرد که مراد کدام کاربرد خسارت تأخیر تأدیه است. آنچه در این مقال محل بحث است خسارت تأخیر به معنای مندرج در ماده ۵۲۲ و قانون صدور چک است. بنابراین، مطالبه خسارت تأخیر تأدیه دین ارزی، به معنای مطالبه خسارت عدم‌النتفع یا وجه التزام قراردادی مقرر برای تأخیر، محکوم به حکم خاص هر یک از این نهادها در حقوق ایران است. مثلاً به موجب تبصره ۲ ماده ۱۳ ق. آیین دادرسی کیفری مطالبه عدم‌النتفع در مواردی که صدق اتلاف کند جایز است.

## نقد و بررسی رأی

### خلاصه پرونده

شخصی در سال ۱۳۷۳ اقدام به صدور یک فقره چک ارزی به مبلغ ۶۷۵۰۰ دلار می‌کند. به دلیل تغییر ناگهانی قیمت دلار در آن ایام، صادرکننده از عهده پرداخت وجه چک در سررسید برنمی‌آید و بر اساس شکایت دارنده چک به جرم صدور چک بلامحل به زندان می‌افتد. سیزده سال بعد، دارنده چک دادخواستی بر اساس چک یادشده به دادگستری اصفهان تقدیم می‌کند و علاوه بر وجه چک همه خسارات و از جمله خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه می‌کند. دادگاه در این خصوص این‌گونه رأی صادر می‌کند:

### رأی دادگاه بدوی

«در خصوص دعوی آقای الف به طرفیت آقای ب به خواسته مطالبه ششصد و چهل و یک میلیون و دویست هزار ریال بابت وجه یک فقره چک ارزی عهده بانک تجارت. واحد ارزی اصفهان. به ارزش شصت و هفت هزار و پانصد دلار امریکا به انضمام خسارت تأخیر تأدیه و هزینه دادرسی با توجه به محتویات پرونده و ملاحظه تصویر مصدق گواهی عدم پرداخت موصوف ... دعوی خواهان را محمول بر صحت دانسته و مستنداً به مواد ۱۹۸ و ۵۱۹ و ۵۲۲ آیین دادرسی مدنی خوانده را به پرداخت ششصد و چهل و یک میلیون و دویست و پنجاه هزار ریال بر اساس نرخ هر دلار امریکا نه هزار و پانصد ریال ... و همچنین خسارت تأخیر تأدیه از زمان سررسید چک موصوف تا زمان اجرای حکم که از سوی دایره محترم اجرایی احکام مورد محاسبه قرار می‌گیرد در حق خواهان محکوم می‌نماید ...»

### رأی دادگاه تجدیدنظر

«... تجدیدنظرخواهی ... را وارد تشخیص نداده ...»<sup>۲</sup>

۱. کلاس: ۱۳۳۰-۸۵ ح ۶، مورخه: ۸۶/۰۲/۱۲، شماره دادنامه: ۸۶/۰۲/۱۲-۱۲۶، صادره از: شعبه ۶ دادگاه عمومی حقوقی اصفهان.

۲. کلاس: ۸۷۰۹۹۸۰۳۵۰۶۰۷۱۰ ت ۱۳، مورخه: ۸۸/۱۰/۳۰، شماره دادنامه: ۸۸۰۹۹۷۰۳۶۹۵۰۱۵۰۸، صادره از: شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان.

## نقد رأی

### محاسبه دلار آمریکا بر اساس نرخ روز جهت تعیین اصل بدهی

دادگاه محترم، برای محاسبه اصل بدهی، هر دلار آمریکا را به نرخ روز تقدیم دادخواست محاسبه کرد. سپس، همین مبلغ را به سیزده سال پیش، یعنی سررسید چک، برگرداند و خواننده را به خسارت تأخیر تأدیه این دین ریالی برای تأخیر سیزده ساله و بر اساس شاخص تورم بانک مرکزی محکوم کرد. یعنی در این رأی هم افزایش قیمت دلار محاسبه شد هم کاهش ارزش ریال!

### استناد به ماده ۵۲۲

دادگاه محترم برای محکومیت خواننده به خسارت تأخیر تأدیه به ماده ۵۲۲ آیین دادرسی مدنی استناد کرده است. مراجعه به ماده ۵۲۲ نشان می‌دهد این ماده فقط در مواردی قابل اعمال است که موضوع دعوا «دین» و از نوع «وجه رایج» باشد. پس، اولاً موضوع دعوا باید مال کلی و ثابت بر ذمه باشد و اگر عین معین و خارجی باشد این ماده قابل استناد نیست. بنابراین اگر موضوع دعوا پول‌های موجود در یک کیف یا یک پاکت باشد، شرط اول اعمال ماده ۵۲۲ فراهم نیست و به عکس اگر موضوع دعوا یک تَن سبب کلی باشد، شرط اول یعنی «دین بودن» موضوع دعوا محقق است؛ هرچند همان‌گونه که خواهیم دید با شرط دوم این‌گونه دیون از شمول ماده خارج می‌شوند. و اما شرط دوم ماده ۵۲۲ این است که دین از نوع «وجه رایج» باشد و گمان نمی‌رود در عدم اطلاق وجه رایج به ارز خارجی تردیدی وجود داشته باشد. تقابل یادشده در ماده ۶۲، که پیش‌تر آمد، برای رفع هر گونه شبهه کفایت می‌کند.

ممکن است کسی برای دفاع از دادگاه محترم به رأی وحدت رویه شماره ۹۰ مورخ ۱۳۵۳/۱۰/۴ دیوان عالی کشور استناد کند که بر اساس آن «تخصیص دادن ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی (سابق) به دعاوی، که خواسته آن پول رایج ایران است، صحیح نیست ... بنابراین مقررات فصل سوم قانون مزبور در باب خسارت تأخیر تأدیه شامل دعاوی نیز که خواسته آن پول خارجی است می‌شود ...»

به نظر می‌رسد این رأی وحدت رویه نه تنها نمی‌تواند به عنوان مؤید عملکرد دادگاه قرار گیرد، بلکه برعکس، دلیلی بر نادرستی برداشت دادگاه است. زیرا ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی سابق

با این عبارت آغاز شده بود: «در دعاوی که موضوع آن وجه نقد است...» و همان‌گونه که دیوان تصریح کرده وجه نقد شامل پول خارجی نیز می‌شود. اما، ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی جدید، که جانشین ماده ۷۱۹ سابق شد، به جای «وجه نقد» از «وجه رایج» سخن گفته و این تغییر اصطلاح حکایت از تغییر دیدگاه قانون‌گذار و قصد مقنن بر اختصاص خسارت تأخیر در مفهوم جدید آن به وجه رایج دارد. بنابراین، از مفهوم این ماده نفی خسارت تأخیر در مورد دیون ارزی به نحو مطلق استفاده می‌شود؛ اعم از اینکه مستند به چک باشد یا نباشد. بنابراین، بر بنیاد مفهوم مخالف ماده ۵۲۲ و اطلاق آن، در مورد دیون ارزی مطلقاً خسارت تأخیر وجود ندارد؛ اعم از آنکه دین مستند به چک باشد یا نباشد و این مفهوم می‌تواند مفسر تبصره ۲ ق.ص.چ نیز تلقی شود و ادعا شود مراد از خسارت تأخیر تأدیه در این ماده و تبصره آن خسارت تأخیر تأدیه وجه رایج است نه وجه نقد.

#### تفاوت ماده ۵۲۲ با ماده ۷۱۹ سابق

صرف‌نظر از تفاوت صدر دو ماده ۷۱۹ و ۵۲۲، ادامه ماده ۷۱۹ و تفاوت آن با ماده ۵۲۲ نیز تفاوت موضوع دو ماده را گواهی می‌دهد. زیرا در ماده ۷۱۹ سابق ملاک محاسبه خسارت تأخیر، بدون هیچ مشکلی، به نحو یکسان در مورد دیون ریالی و دیون ارزی قابل اعمال بود. یعنی برای هر سال تأخیر ۱۲ درصد به مبلغ موضوع دعوا افزوده می‌شد. اما در ماده ۵۲۲ برای محاسبه خسارت تأخیر تأدیه به شاخص تورم، که از سوی بانک مرکزی اعلام می‌شود، ارجاع داده شده و روشن است که ضرایب اعلام‌شده از سوی بانک مرکزی مربوط به کاهش ارزش ریال است و ربطی به دلار ندارد. نظریه مشورتی شماره ۱۰۸۷۲۷ مورخ ۸۰/۱۱/۲ نیز مدعای فوق را تأیید می‌کند. به موجب این نظریه «وجه رایج مندرج در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی به ارزشهای خارجی تسری پیدا نمی‌کند. زیرا تغییر شاخص سالیانه، که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد، بر اساس ترقی و تنزل هزینه زندگی است...»

در رویه قضایی نیز بسیاری از محاکم همین دیدگاه را تأیید می‌کنند. مثلاً شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در رأی خود به شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۵۳۵ چنین آورده: «... مطالبه خسارت تأخیر تأدیه نیز به جهت وجه رایج نبودن دین در حدود ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی

قابل پذیرش نبوده...<sup>۱</sup> و نیز شعبه ۱۰ دیوان عالی کشور در رأی خود به شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۷۰۰۰۳۲۳ چنین آورده: «... به مستفاد از ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی ارزش خارجی از شمول ماده مذکور خارج است. زیرا خسارت تأخیر تأدیه مقرر در ماده یادشده ناظر به وجه رایج بوده ارزش خارجی از ضابطه قانونی مرقوم خارج است...»<sup>۲</sup> و نیز شعبه ۲۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران در رأی خود به شماره ۹۱۰۹۹۷۲۱۳۰۶۰۰۷۱۴ این گونه آورده: «درخواست خسارت تأخیر تأدیه، طبق ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی، محکوم به رد است. زیرا طبق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی (تاریخ رأی وحدت رویه [مربوط به] حکم قانون قبلی آیین دادرسی مدنی است) از شرایط تعلق خسارت تأخیر تأدیه به دین آن است که از نوع وجه رایج باشد و ارزش رایج نیست و افزایش ارزش آن با توجه به نوسانات اقتصادی در بازار اتوماتیکوار به عمل می‌آید».<sup>۳</sup>

#### استناد به تبصره ۱ ماده ۲ قانون صدور چک

ممکن است در دفاع از نحوه عملکرد دادگاه به تبصره ۱ ماده ۲ قانون صدور چک و استفساریه مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام استناد کند؛ هرچند دادگاه محترم در رأی خود به این مواد اشاره‌ای نکرده است. با توجه به تبصره ماده ۲ و استفساریه می‌توان چنین استدلال کرد که هرچند ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، که بیانگر قاعده عام خسارت تأخیر تأدیه در دیون است، شامل پول خارجی نمی‌شود، در خصوص دیونی که در قالب یک چک تجلی یافته‌اند، قانون خاص، یعنی تبصره ماده ۲ و استفساریه مصوب ۷۷/۹/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام، حاکم است. به موجب این استفساریه «کلیه خسارات» یادشده در تبصره ماده ۲ شامل خسارت تأخیر تأدیه نیز می‌شود (زنگباری ۱۳۹۴: ۲۳۰). اطلاق تبصره ماده ۲ و نیز استفساریه به نحو یکسان چک‌های ریالی و چک‌های ارزی را در برمی‌گیرد و اختصاص خسارت تأخیر یادشده در استفساریه به چک‌های ریالی با اطلاق استفساریه منافات دارد. البته این استدلال مبتنی بر این فرض است که به‌رغم حذف عنوان خسارت تأخیر تأدیه از قانون جدید صدور چک به دلیل مخالفت شورای نگهبان، تبصره ماده ۲، و استفساریه آن همچنان از اعتبار برخوردار باشند.

۱. مستخرج از سامانه آرا و رویه‌های قضایی، بانک داده آرای پژوهشگاه قوه قضاییه، به آدرس اینترنتی:

<http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Search.aspx>

۲. همان.

۳. همان.

به هر حال به نظر می‌رسد استدلال به تبصره و استفساریه نیز- با فرض اعتبار آن‌ها- گره از کار فروبسته دادگاه نمی‌گشاید. زیرا:

### اولاً

به موجب همین استفساریه «خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده» محاسبه می‌شود و همان‌طور که قبلاً گفته شد آنچه از سوی بانک مرکزی اعلام می‌شود شاخص تورم و کاهش ارزش پول ایران است. بنابراین، اجرای مواد مربوط به خسارت تأخیر تأدیه در مورد واحد پول خارجی امکان اجرایی ندارد.

### ثانیاً

تفسیر «کلیه خسارات» به خسارت تأخیر تأدیه و هزینه دادرسی و حق الوکاله از سوی مجمع به معنای وجود کلیه این خسارات در هر چک و تکلیف دادگاه به محکومیت خوانده نسبت به آن‌ها نیست. زیرا دست‌کم در مورد حق الوکاله یا در مواردی که بین سررسید تا زمان وصول شاخص قیمت‌ها تغییری نیافته است حکم به خسارت موضوعاً منتفی است. پس، مراد استفساریه نه اثبات همه خسارات در هر مورد بلکه حصر خسارات قابل مطالبه در مورد چک به خسارات سه‌گانه فوق است و برای مطالبه هر یک از این خسارات باید تحقق و وقوع خسارت اثبات شود.

### ثالثاً

ارجاع محاسبه خسارت تأخیر تأدیه از سوی مجمع تشخیص به نرخ تورم اعلام‌شده از سوی بانک مرکزی دلالت بر انصراف خسارت تأخیر تأدیه یادشده در استفساریه به چک‌های ریالی دارد.

### رابعاً

هرچند در بیان اصطلاحات مختلف خسارت تأخیر تأدیه گفته شد که خسارت تأخیر در قانون صدور چک به معنای جبران کاهش ارزش پول است، در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م جنبه تعزیری دارد و جریمه‌ای برای مدیون متمکن و مماطل به حساب می‌آید. اما، به هر حال تغییر شاخص قیمت در هر دو مورد ضروری است و هرچند قانون‌گذار در قانون چک از تغییر شاخص سخن نگفته، با توجه به نحوه محاسبه خسارت تأخیر تأدیه و اعمال ضریب تورم که از سوی بانک مرکزی اعلام



می‌شود، در ضرورت چنین شرطی تردید نمی‌توان کرد و روشن است که این شرط تنها در مورد وجه رایج قابل دسترس است.

### نامعقول بودن خسارت تأخیر تأدیه چک ارزی

تجویز خسارت تأخیر تأدیه در خصوص چک ارزی نظام حقوقی ایران را با تبعیضی نامعقول و غیرمنصفانه روبه‌رو می‌سازد. زیرا قانون‌گذار در ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی در باب مهریه و تعدیل آن به قیمت روز تنها صورتی را مجاز می‌داند که مهریه از نوع «وجه رایج» باشد و مفهوم آن این است که در غیر وجه رایج حتی اگر از جنس وجه نقد و مثلاً دلار باشد نیز تعدیل و محاسبه تورم امکان ندارد.

با اینکه از دیدگاه قانون‌گذار تعدیل مهریه امری مطابق با قواعد اولی شرعی است و به همین لحاظ بدون نیاز به مداخله مجمع تشخیص مصلحت نظام با تصویب مجلس و با تأیید شورای نگهبان به تصویب رسیده است، لازمه مجاز شناختن مطالبه خسارت تأخیر تأدیه در چک ارزی این است که خسارت تأخیر تأدیه ارز خارجی در مورد مهریه، که به حسب فرض مطابق با قاعده است، قابل مطالبه نباشد. اما در موردی که برخلاف قاعده است و به صورت استثنایی به تصویب مجمع رسیده قابل مطالبه باشد.

### اشکالات اجرایی

نکته دیگری که حکم به خسارت تأخیر تأدیه در مورد چک‌های ارزی را با مشکل روبه‌رو می‌سازد اشکالات اجرایی آن است. در مورد دیون ریالی، اعم از مهریه یا دیون مشمول ماده ۵۲۲ یا چک‌های ریالی، نحوه محاسبه کاملاً روشن است و از سوی قانون‌گذار و آیین‌نامه‌های مربوطه و جدول‌های اعلام‌شده از سوی بانک مرکزی به‌وضوح مشخص شده است. اما به‌فرض که دادگاهی بخواهد خسارت تأخیر تأدیه را برای چک‌های ارزی در نظر بگیرد، هیچ روش و شیوه مشخصی برای وی وجود ندارد. همان‌طور که در رأی مورد بحث دادگاه، برخلاف ضوابط قانونی، خواسته را به ریال برگردانده و حکم به خسارت تأخیر داده است.

### نامعقول بودن مبلغ محاسبه‌شده

گاه نتایج نامعقول یک استدلال برای حکم به نادرستی آن کافی است. دادگاه محترم با تبدیل طلب

دلاری به قیمت روز و محاسبه ضرایب خسارت تأخیر تأدیه در مورد آن به عددی رسیده که چندین برابر نرخ است که در ماده ۷۱۹ سابق پیش‌بینی شده بود و همین برای کشف نادرستی محاسبه کافی است. فرض کنید اصل دین ۶۰۰۰۰ دلار و قیمت دلار در زمان قرض ۱۰۰۰ تومان بوده و در زمان ادا، که هشت سال پس از آن است، به ۴۰۰۰ تومان رسیده باشد. مطابق فرمول ماده ۷۱۹ سابق، برای هر سال تأخیر ۱۲ درصد به دین افزوده می‌شد و در نتیجه ۹۶ درصد باید به مبلغ دین افزود که تقریباً دو برابر اصل دین، یعنی ۱۲۰۰۰۰ دلار، بود؛ یعنی مبلغی نزدیک به ۴۸۰ میلیون تومان. اما با روش دادگاه محترم ۶۰۰۰۰ دلار به قیمت روز حساب می‌شود که مبلغی معادل ۲۴۰ میلیون تومان می‌شود و این مبلغ با محاسبه هشت سال تأخیر به چندین برابر این مبلغ در فرمول سابق بالغ می‌شود و روشن است که قانون‌گذار نمی‌خواسته ۱۲ درصد سابق را به چندین برابر افزایش دهد.

#### تفاوت بین ریال و ارزهای خارجی از عوامل مؤثر در کاهش ارزش پول

نکته بسیار مهمی که در این رأی مغفول مانده و تفتن بدان به اندکی تأمل نیاز دارد این است که بر فرض که قرار باشد برای دلار یا هر پول خارجی خسارت تأخیر تأدیه در نظر بگیریم. این خسارت هیچ نسبتی با خسارت تأخیر تأدیه بدهی ریالی ندارد. زیرا همان‌گونه که آمد محاسبه خسارت تأخیر تأدیه یادشده در مواد ۵۲۲ ق. آیین دادرسی مدنی و قانون صدور چک بر مبنای کاهش ارزش پول صورت می‌گیرد. در حالی که کاهش قدرت خرید ریال و دلار کاملاً مستقل و متفاوت است و هر یک از عوامل خاص خود متأثر می‌شود. برای تصدیق این مدعی کافی است به این نکته توجه کنیم که نرخ برابری دلار با ریال همواره در حال تغییر است و هیچ‌گاه ثابت نمانده است. مثلاً کاهش قدرت خرید ریال در چند سال اخیر بسیار بیشتر از کاهش قدرت خرید دلار بوده است و چه‌بسا در اغلب مقاطع قدرت خرید دلار افزایش نیز داشته است.

#### جمع‌بندی و نتیجه

چنان‌که گفته شد خسارت تأخیر تأدیه در کشور، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، تحولات فراوانی را پشت سر گذاشته و یکی از متون مهم در باب خسارت تأخیر تأدیه ماده ۵۲۲ ق. آ. د. م. است. این ماده به‌صراحت موضوع خود را دین از نوع وجه رایج قرار داده و از مفهوم آن چنین برمی‌آید که نه تنها در مورد کالاها بلکه حتی در مورد سایر وجوه نقد غیر از ریال نیز خسارت تأخیر پیش‌بینی شده در

این ماده کاربردی ندارد. تبصره ماده ۲ قانون صدور چک نیز هرچند به صراحت از وجه رایج سخن نگفته، با توجه به اینکه مکانیسم محاسبه تأخیر تأدیه را جداول اعلامی از سوی بانک مرکزی در خصوص تغییر شاخص قیمت سالیانه قرار داده، چک‌های ارزی را دربر نمی‌گیرد.

اما چه چیز قانون‌گذار پس از انقلاب را بر آن داشته تا در بحث تأخیر تأدیه بر «وجه رایج» تأکید کند و برخلاف ماده ۷۱۹ سابق از به کار بردن اصطلاح «وجه نقد» بپرهیزد؟ در توجیه این تغییر شاید بتوان چنین استدلال کرد که ارز یا پول خارجی در ایران در حکم کالا محسوب می‌شود و همان‌گونه که در مورد کالاهایی مانند سکه طلا و اتومبیل و زمین و میوه و امثال آن سخن از خسارت تأخیر تأدیه به معنای مورد نظر قانون‌گذار فعلی منتفی است در مورد ارز یا پول خارجی نیز وضعیت بر همین منوال است. به بیان دیگر وجه رایج در هر کشور معیار محاسبه ارزش و واسطه در مبادله کالاهاست. ولی خود موضوعیت ندارد. به بیان فنی، وجه رایج محض در ثمنیت است. یعنی همواره نقش ثمن و عوض را در معامله بازی می‌کند. درحالی‌که در خصوص دلار و سایر واحدهای پولی خارجی قضیه معکوس است؛ یعنی در کشور ایران پول خارجی اصولاً معیار سنجش کالاها یا ابزار وصول به آنها نیست، بلکه برعکس خود به منزله معوض یا مبیع یا مضمن در معاملات لحاظ می‌شود و به اصطلاح خود موضوعیت دارد. به بیان ساده، در ایران کسی ریال نمی‌خرد بلکه با ریال خرید می‌کند. ولی در ایران دلار را می‌خرند و با دلار خرید نمی‌کنند. و البته این وضعیت در کشورهایی که مثلاً دلار وجه رایج آنهاست معکوس است و دلار و ریال نقش خود را با یکدیگر عوض می‌کنند. پس به طور خلاصه بر اساس این استدلال ارزش‌های خارجی مانند سایر کالاها و همراه با آنها افزایش قیمت دارد و بنابراین در خصوص آنها خسارت تأخیر تأدیه معنا ندارد؛ کما اینکه در مورد سایر کالاها نیز از همین قرار است و اینکه ممکن است یک کالا در مقایسه با سایر کالاها رشد بیشتر یا کمتری داشته باشد تأثیری در ماجرا ندارد.

این استدلال هرچند خالی از قوت نیست، به نظر می‌رسد، بیانگر همه حقیقت نیست. واقعیت این است که قانون‌گذار پس از انقلاب به دلیل وفاداری و التزام به مبانی فقهی رایج خسارت تأخیر را به معنای جریمه دیرکرد در هیچ سنخ از دیون مشروع نمی‌داند. اما به دلیل وضعیت تورمی شدید و افت شدید ارزش پول رایج به دنبال راهکاری مشروع برای حل معضل کاهش ارزش پول

برآمده و علاوه بر وجه التزام و شرط ضمن عقد مبنی بر جبران کاهش ارزش پول که در نظریات اولیه شورای نگهبان آمده و در قراردادهای بانکی از آن استفاده می‌شد در دیون عادی و فاقد شرط جبران کاهش ارزش راهکار استفاده از تعزیر و جریمه برای مدیونی که در عین تمکن و مطالبه طلبکار از ادای دین حال خود امتناع می‌کند به عنوان راهکاری مشروع و البته حداقلی مورد تأیید قرار گرفت. از همین رو توسعه این راهکار که بر اصول فقهی مستحکمی استوار است برای سایر وجوه نقد نیز قاعداً از سوی قانون‌گذار با مانعی شرعی روبه‌رو نیست. اما از آنجا که قانون‌گذار فعلاً و در وضعیت موجود از این راهکار صرفاً برای حل معضل کاهش ارزش ریال به عنوان یکی از چالش‌های جدی نظام حقوقی و اقتصادی کشور استفاده کرده و ماده ۵۲۲ را اختصاص به وجه رایج داده است، قیاس و اجتهاد مقابل نص قانون‌گذار و استفاده از این راهکار برای سایر وجوه نقد امکان ندارد. همین ضرورت، یعنی کاهش فاحش ارزش پول ملی، باعث شده مجمع تشخیص مصلحت نظام برخلاف مبانی اولیه در قانون صدور چک نیز صرفاً برای کاهش ارزش چک‌های ریالی، که بخش قریب به اتفاق چک‌های رایج در عرصه مبادلات تجاری را تشکیل می‌دهند، چاره‌ای بیندیشد و برای حفظ جایگاه این سند تجاری حیاتی در عرصه اقتصاد ایران کاهش ارزش آن را با افزودن نرخ تورم به مبلغ اصل چک و البته از باب مصلحت یا ضرورت چاره کند و طبعاً با توجه به ندرت چک‌های ارزی و نیز عدم معضلی به عنوان کاهش فاحش ارزش در خصوص این وجوه در مورد این چک‌ها اقدامی را ضروری نداند. البته خسارت تأخیر تأدیه‌ای که در مورد چک‌های ارزی نفی شد خسارت تأخیر تأدیه به معنای مورد نظر در ماده ۵۲۲ و نیز تبصره ماده ۲ ق.ص.چ بود. اما خسارت تأخیر تأدیه در قالب وجه التزام یا شرط ضمن عقد یا خسارت ناشی از عدم‌النتفع تابع احکام ویژه خود است.

به هر حال بر فرض که لازم بدانیم قانون‌گذار در باب دیون ارزی نیز چاره‌ای بیندیشد و خسارتی همچون دیون ریالی پیش‌بینی کند، این «باید» نباید به بهای تحقیر نظم حقوقی حاکم تمام شود و مادام که قانون‌گذار دست به چنین اصلاحی نزده و قوانین موجود نیز تاب چنین تفسیری را نداشته باشد، چاره‌ای جز تمکین به حکم قانون‌گذار در اختصاص خسارت تأخیر به دیون ریالی و تلاش برای اصلاح قوانین وجود ندارد.

## منابع

آرا به شماره‌های ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۵۳۵ و ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۷۰۰۰۳۲۳ و ۹۳۰۹۹۷۰۶۰۰۷۱۴ و ۹۱۰۹۹۷۲۱۳۰۶۰۰۷۱۴ مستخرج از سامانه آرا و رویه‌های قضایی، بانک داده آرای پژوهشگاه قوه قضاییه، به آدرس

اینترنتی: <http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Search.aspx>

بهجت، محمدتقی (۱۴۲۸ ق). *استفتائات*، قم، دفتر حضرت آیت‌الله بهجت، ج ۳.  
تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۲). «شرط کیفری مالی در بانک‌داری بدون ربا»، *فقه اهل‌بیت*<sup>(ع)</sup> فارسی، ش ۳۵، صص ۶۳ - ۷۱.

زنگباری، ناصر (۱۳۹۴). *حقوق بانکی*، تهران، جنگل، ج ۱.  
السان، مصطفی (۱۳۸۹). *حقوق بانکی*، ج ۳، تهران، سمت.  
سلطانی، محمد (۱۳۹۰). *حقوق بانکی*، ج ۴، تهران، میزان.  
الشریف، محمد مهدی (۱۳۹۳). *منطق حقوق*، ج ۳، تهران، شرکت سهامی انتشار.  
شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۰). «نقد و بررسی مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به مطالبه خسارات قراردادی و تأخیر تأدیه»، *مجتمع آموزش عالی قم*، ش ۹، صص ۷ - ۵۰.  
صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۱۷ ق). *جامع الاحکام*، ج ۴، قم، انتشارات حضرت معصومه (س)، ج ۲.  
فاضل‌لنکرانی، محمد (۱۳۸۳). *جامع المسائل*، ج ۱۱، قم، امیر قلم، ج ۱.  
مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ ق). *استفتائات جدید*، ج ۲، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع)، ج ۲.

منتظری، حسین علی (۱۳۸۸). *رساله استفتائات*، تهران، سایه، ج ۳.  
موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ ق). *منهاج الصالحین (للخوئی)*، ج ۲۸، قم، مدینه العلم، ج ۲.  
یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۱). «بررسی فقهی نظریه‌های جبران کاهش ارزش پول (۲)»، *فقه اهل‌بیت*<sup>(ع)</sup> فارسی، ش ۳۱، صص ۵۹ - ۱۳۷.

## References

- Alsharif, M. (2014). *The Logic of Law*, 3rd Printing, Tehran, Sahaami Enteshaar Corporation. (in Persian)  
Bejat, M. (2004). *Esteftaa'at (Fatwas)*, 1st Printing, Qom, Ayatollah Behjat's Office, Vol. 3. (in Persian)  
Elsaan, M. (2010). *Banking Law*, 3rd Printing, Tehran, Samt Publishing. (in Persian)

- Faazel Lankaraani, M. (2004). *Jaameolmasaael*, 11th Printing, Qom, Amir Qalam Publishing, Vol. 1. (in Persian)
- Makaarem Shiraazi, N. (2003). *New Esteftaa'at (Fatwas)*, 2nd Printing, Qom, Emaam Ali's School Publishing, Vol. 2. (in Persian)
- Montazeri, H. (2009). *Resaaleh Esteftaa'at (Fatwas)*, 1st Printing, Tehran, Saayeh Publishing, Vol. 3. (in Persian)
- Mousavi Khoei, S. A. (1987). *Menhaajosaalehin*, 28th Printing, Qom, Madinatoelm Publishing, Vol. 2. (in Arabic)
- Saafi Golpayegaani, L. (1994). *Jaameolahkaam*, 4th Printing, Qom, Hazrate Masoumeh Publishing, Vol. 2. (in Persian)
- Shiravi, A. (2001). "Review of The Provisions of Civil Procedure regarding The Contractual Liability and Late Payment Compensation", *High Education Complex of Qom*, Issue (9), pp. 7-50. (in Persian)
- Soltaani, M. (2011). *Banking Law*, 4th Printing, Tehran, Mizaan Publishing. (in Persian)
- Taskhiri, .. (2003). "Financial Penalty Condition in Interest-Free Banking", *Journal of Ahlebeyt's Jurisprudence (Persian)*, Issue (35), pp. 63-71. (in Persian)
- Yousefi, A. (2002). "Jurisprudential Review of the Theories in Compensation of Devaluation (2)", *Journal of Ahlebeyt's Jurisprudence (Persian)*, Issue (31), pp. 59-137. (in Persian)
- Zangbaari, N. (2015). *Banking Law*, 1st Printing, Tehran, Jangle Publishing, Vol. 1. (in Persian)
- [Http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Search.aspx](http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Search.aspx).